

یادداشت

ناترازی بودجه و لزوم شفافیت در تحویل دولت‌ها



پویانعمت الهی

در آخرین روزهای رقابت انتخاباتی تصاویری از مکاتباتی منتشر شد که طی آنها از سازمان برنامه و بودجه درخواست شده بود تا ذیل عناوینی نظیر «کمک به گروه‌های جهادی» مبلغی را تخصیص دهد. اما سازمان مذکور با رد این درخواست‌ها تأکید کرد درحال‌حاضر تخصیص اعتبار برای هزینه‌های متفرقه و غیرضروری میسر نیست و اولویت با انجام تعهدات و پرداخت‌های اجتناب‌ناپذیر از جمله پرداخت مطالبات گندم‌کاران است. در نگاه اول نامه مذکور را می‌توان مشابه بسیاری از مکاتبات اداری مرسوم برای اخذ بودجه یا تخصیص آن در نظر داشت. این نامه را خود رئیس سازمان برنامه منتشر کرد و از این بابت تحسین‌های زیادی را متوجه خود کرد. اما دقت در آن می‌تواند بازگوکننده واقعیت‌هایی درباره وضع خزانه کشور در آستانه جابه‌جایی دولت باشد. براساس مابانی آکادمیک، بودجه بر تخصیص منابع محدود به نیازهای نامحدود نظرات دارد. پس حدی از اولویت‌بندی که در نامه مذکور منعکس شده کاملاً قابل‌فهم است. اما رد درخواست به‌دلیل اولویت در پرداخت مطالبات گندم‌کاران در قالب بودجه مصوب را چگونه می‌توان تحلیل کرد؟ طبق بند «ث» از تبصره (۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور دولت مکلف است نقدینگی لازم برای خرید گندم و پرداخت به‌موقع بهای گندم خریداری‌شده به کشاورزان را در شش‌ماهه اول سال و هم‌زمان با خرید تضمینی گندم تخصیص دهد.

به نظر می‌رسد موضوع پرداخت مطالبات گندم‌کاران در قالب بودجه احتمالاً نباید مشکل مهمی در تأمین نقدینگی امر فوق پدید بیآورد و براساس تراز بودجه‌ای، قاعدتاً در شرایط نرمال هیچ‌گونه پرداخت بودجه‌ای در یک بخش نباید معطل سایر بخش‌ها باشد. با این توضیحات می‌توان فهم کرد که نامه رئیس سازمان برنامه در فحوای خود به نوع شدیدی از کسری بودجه یا کسری منابع دلالت دارد. اما ردیابی تا یافتن منشأ این کسری بودجه می‌تواند شدت و حدت کسری بودجه را در معرض نگاه مردم قرار دهد. از آنجا که بند قانونی ناظر بر اجرای تعهدات دولت در قبال گندم‌کاران در قالب تبصره (۸) قانون بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور در قالب ردیف‌های مصرفی مندرج در جدول ذیل تبصره مذکور تعیین شده، ازاین‌رو قطعا محل تأمین آن از سرفصل- های مرتبط با فروش داخلی و صادراتی فرآورده‌های نفتی، فروش محصولات فرعی گاز و فروش صادراتی گاز طبیعی پیش‌بینی شده است. از فکت‌ها و برخی مفروضات بالا می‌توان این‌طور استنتاج کرد که اگر دولت در پرداخت مطالبات گندم‌کاران درمانده است پس احتمالاً منابع امر مزبور از محل صادرات فروش داخلی و صادراتی فرآورده‌های نفتی و گاز و محصولات گازی به‌طور کامل محقق نمی‌شود. اما میزان وخامت اوضاع منابع در این‌ بخش چگونه قابل بررسی است؟

پیش از هرچیز باید توجه داشت که دولت سیزدهم قطعا مانند هر دولت دیگری بر این اعتقاد است که خزانه را خالی از دولت قبل از خود تحویل گرفته و ملامات تحویل دولت بعدی داده است.

برای بررسی سطح مخاطره‌آمیز بودن شرایط، کافی است به مبلغ درخواستی از سازمان برنامه (که مورد موافقت قرار نگرفته و همین‌طور سابقه نامه) توجه شود. درخواست ارائه‌شده صرفاً به میزان ۱۰۰ میلیارد تومان است که اولاً به‌دلیل عدم‌تحقق از محل منابع مرتبط و ذی‌ربط و ثانیاً به‌دلیل اولویت پرداخت به گندم‌کاران مورد مخالفت قرار گرفته است.

مبلغ درخواست‌شده فارغ از میزان اهمیت در سرجمع مصارف دولت بسیار ناچیز تلقی می‌شود. ازاین‌رو براساس مکاتبات افشا شده و اظهارنظرهای علنی مسئولان در سازمان برنامه و بودجه این نتیجه حاصل می‌شود که دولت برای پرداخت ۱۰۰ میلیارد تومان نیز ناچار به اولویت‌بندی است که مطلقاً نمای خوبی از وضعیت منابع دولت ارائه نمی‌دهد.

این موضوع زمانی بیشتر نمود می‌یابد که مقام متولی مزبور، ضمن اذعان به عدم‌تحقق منابع، با توجه به محدودیت در وصولی‌های موضوع صادرات فروش داخلی و صادراتی فرآورده‌های نفتی و گاز و محصولات گازی، اساساً کمبود در منابع این بخش را نیز به‌صورت تلویحی مورد اشاره قرار می‌دهد. هنگامی که کارشناسان مستقل بارها انتقادهای جدی به فرآیند تهیه، تنظیم و تصویب بودجه سال ۱۴۰۳ کل کشور وارد کرده بودند، درواقع پیش‌بینی همین نقطه‌ را می‌کردند که با این مدل از نگاه به مقوله بودجه (که بعضاً مبتنی بر واقعیات نیست)، نمی‌توان بودجه متوازن و قابل اجرا تصویب کرد.

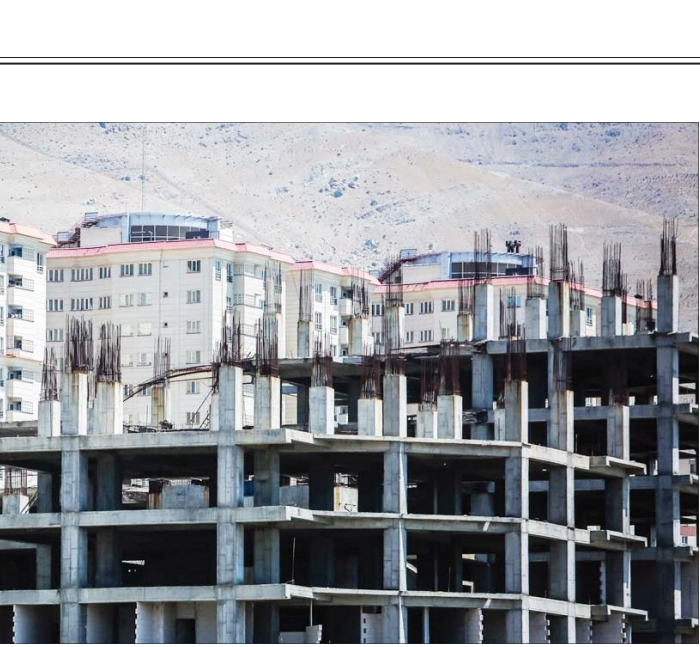
اکنون با مکاتبات مذکور عیان شد که هشدار کارشناسان درمورد ناترازی بودجه سال جاری (که مستند به مابانی در نظر گرفته‌شده بودجه‌ای بود) گریبان دولت سیزدهم را گرفته است. اگر مثبت و تقدیر عمر این دولت را کوتاه نمی‌کرد چه‌بسا همین دولت به‌ویژه در نیمه دوم سال با تبعات تنظیم و تصویب بودجه ناتراز به‌صورت هراسناکی دست به گریان می‌شد تا حدی که امور جاریه کشور نیز مختل می‌شد. با توجه به شواهد بالا یکی از مهم‌ترین و حساس‌ترین چالش‌های پیش‌روی دولت منتخب در حوزه مالیّه عمومی کاملاً نمایان شده است. پدیده «ناترازی» بودجه معضلی است که با توجه به برآوردهایی که از اندازه و وسعت و حجم آن وجود دارد، می‌تواند عملاً همه ابعاد دولت‌داری را به‌طور ویرانگری متاثر کند. اینکه تیم اقتصادی دولت آینده از چه روش‌هایی برای جبران کسری بودجه استفاده خواهد کرد، موضوع ثانویه محسوب می‌شود. اما قطعاً معضل اصلی همانا تشخیص به‌موقع و بجای این تهدید است. از سبوی دیگر، هنگامی که رئیس سازمان برنامه و بودجه صراحتاً درخواست یک مقام ارشد در نهاد ریاست‌جمهوری را (در سطح معاونت اجرایی و سرپرست نهاد) رد می‌کند، نه ناشی از نوعی تدبیر یا برخورد با یک تخلف احتمالی یا هرچیز دیگری از این دست است، بلکه اساساً منابعی در خزانه نیست که چنین درخواست‌هایی قابل پرداخت و تخصیص و پرداخت آنی باشد (حتی با اینس مقادیر نه‌چندان سنگین). بدیهی است با توجه به ابعاد وسیع و تبعات سنگین ناترازی بودجه تیم مدیریت دولت جدید قبل از هر کاری باید وضعیت درآمدها–هزینه‌ها و نیز میزان منابع موجود در ابتدای فعالیتش را به اصحاب قلم و کارشناسان حوزه اقتصاد گزارش کند تا منتقدان در تحلیل‌های خود شرایط اقتصادی در ابتدای استقرار دولت جدید را مطرح نظر قرار دهند. دولت جدید باید گزارش دقیق و جامعی درباره وضع مالی خزانه کشور در هنگام تحویل دولت در اختیار افکار عمومی قرار دهد. در غیاب چنین گزارشی است که به‌زودی دولتگردان سیزدهم و رقبای ریزودرشت، چه‌بسا افسانه‌ها و اسطوره‌ها از خزانه لیالِب و مملو از منابع بسازند. در همین جاست که رسانه‌های رقیب مطالبه‌گر شده و مجلس نیز وارد فاز حسابرسی می‌شود. دولت سیزدهم خزانه‌ای خالی را تحویل دولت بعد از خود داده و تازه در خوش‌بینانه‌ترین حالت نیز قریب به نییمی از منابع بودجه‌امسال را به دلخواه خود تخصیص داده و مصرف کرده است. بنابراین هم کارشناسان کلان دولت در سازمان برنامه و بودجه و هم مدیران دستگاه‌های اقتصادی (نظیر وزارت اقتصاد، بانک مرکزی، معاونت‌های اقتصادی، خزانه‌داری کل کشور، سازمان هدفمندی و سایر دستگاه‌ها) باید هرچه زودتر گزارش مذکور را تهیه، جمع و ارائه کنند.

شرق، تورم دورقمی و عقب‌ماندگی مزد از تورم سبب شده است که در سال‌های گذشته فقر مسکن در ایران روبه گسترش باشد، به‌طوری‌که هم‌اکنون شمار مستأجران نزدیک به یک‌سوم جمعیت کشور تخمین زده می‌شود و بنابر گزارش مرکز آمار ایران، در تهران به‌عنوان پایتخت کشور بیش از نیمی از خانوارها اجاره‌نشین هستند. این واقعیت سبب شده است که دولت‌های مختلف طرح‌های متعددی برای افزایش قدرت خرید مسکن و بهبود وضعیت مستأجران ارائه دهنده که غالب آنها با شکست مواجه شده‌اند. حالا مسعود پزشکیان در شرایطی کُلیدِ پاستور را به دست آورده است که تأکید دارد امور تخصصی را به دست کارشناسان می‌سپرد اما در زمینه بازار مسکن کارشناسان این بخش برای دولت چهاردهم توصیه‌های متعددی را مطرح می‌کنند.

دولت در بازار مسکن دخالت نکند
اجاره‌نشینی از دهه ۷۰ خورشیدی تاکنون روبه افزایش بوده است. براساس گزارش مرکز آمار ایران، از دهه ۳۰ خورشیدی نسبت مالکان مسکن به مستأجران به‌صورت مداوم درحال افزایش بود، اما این روند از دهه ۷۰ شیب نزولی گرفت و اجاره‌نشینی به‌سرعت رشد کرد؛ به‌طوری‌که هم‌اکنون نزدیک به یک‌سوم جمعیت کشور و بیشتر از نیمی از تهرانی‌ها مستأجر هستند.
براساس گزارش مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۳۵ خورشیدی تعداد خانوارهای ساکن واحدهای مسکونی ملکی یا صاحبخانه‌ها دو میلیون و ۴۱۷هزار و ۱۳۸ خانوار بوده است و در مقابل، ۷۵۰هزار و ۱۱۰ خانوار مستأجر بوده‌اند. به‌عبارتی شعار مالکان ۳:۲ برابر مستأجران بوده است.
در سال ۱۳۹۰ تعداد خانواده‌های مالک ۱۱میلیون و ۸۷۵هزار و سه خانوار گزارش شد و شمار مستأجران پنج‌میلیون و ۶۰۷هزار و ۳۱۴ خانوار اعلام شد. به‌عبارت دیگر نسبت مالکان به مستأجران در ابتدای دهه ۹۰ به ۲:۱ برابر افت کرد. براساس آماری که در سوم شهریور سال ۱۴۰۲ از سوی علی‌رضا مُهلی، نماینده وزارت راه و شهرسازی در بندرعباس اعلام شده، تعداد خانوار مستأجر کشور به حدود هشت میلیون خانوار رسیده است. اگر بخواهیم بُعد خانوار را ۳:۲ نفر در نظر بگیریم، درواقع حدود ۲۵میلیون و ۶۰۰ هزار ایرانی و نزدیک به یک‌سوم ایرانی‌ها مستأجر هستند.

گذشته از این، مرکز پژوهش‌های مجلس هم سال گذشته گزارش داده است که نرخ فقر مسکن در ۱۶ سال گذشته به‌صورت مداوم بیشتر شده و هم‌اکنون نرخ فقر مسکن در کشور به بیشتر از دو برابر میانگین جهانی رسیده است. در مواجهه با این وضعیت دولت‌ها طرح‌های متفاوتی روی میز گذاشتند؛ از مسکن مهر دولت محمود احمدی‌نژاد که هنوز به هنوز است تحویل واحدهای آن به اتمام نرسیده است تا وام ودیعه در دولت حسن روحانی که تنها به انکشت‌شماری از مستأجران می‌رسد و ساخت چهار میلیون واحد مسکونی در دولت ابراهیم رئیسی که همگی سرانجام موفقیت‌آمیزی نداشتند.

حالا کارشناسان حوزه مسکن برای دولت چهاردهم پیشنهادهایی را مطرح می‌کنند. عطا آیت‌اللهی، کارشناس شرکت بهمن‌دیزل انواع کامیون فورس ۱۲ تن کابین خواب‌دار، کامیون امپاور BD300 باری و کمربرسی را در بورس کالا عرضه می‌کند. خریداران محصول خود را ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ تحویل خواهند گرفت. این طرح فروش از ساعت ۹ صبح چهارشنبه ۲۰ تیرماه



عکس‌برداری خدادلی از آثار

«شرق» در گفت‌وگو با کارشناسان راهکارهای رفع مشکلات بازار مسکن را با نگاه به الزامات دولت آینده واکاوی کرد

۵ راهبرد مسکنی

مسکن، معتقد است که از اساس دولت نباید در تولید و عرضه و به‌طورکل بازار مسکن مداخله کند. به‌ویژه اینکه دولت چهاردهم با ناترازی بودجه و ناترازی منابع بانکی دست‌وپنجه نرم می‌کند و این ترمزی جدی برای مداخله دولت در بازار مسکن است. او به «شرق» توضیح می‌دهد که دولت چهاردهم در بخش مسکن باید روی سیاست‌هایی متمرکز شود که بخش خصوصی را به میدان بکشاند و آنها را به ساخت‌وساز ترغیب کند؛ چراکه عارضه اصلی بازار مسکن کمبود درخورتوجه عرضه نسبت به تقاضا است، ضمن اینکه بازار تقاضای انباشته قبلی هم دارد، بنابراین مهم‌ترین اقدامی که دولت چهاردهم می‌تواند برای بازار مسکن انجام دهد، تشویق سرمایه‌گذاران بخش خصوصی برای حضور در بازار مسکن و کاهش هزینه تولید مسکن از طریق تسهیل‌گری است که موجب تشویق بخش خصوصی برای حضور در ساخت‌وساز و تقویت عرضه مسکن می‌شود. به‌این‌ترتیب با افزایش عرضه در بازار، قیمت کاهش یافته و دسترسی آحاد مردم به مسکن بهبود خواهد داشت.

طرح انبوه‌سازان برای ساخت مسکن ارزان

ایرج رهبر، رئیس هیئت‌مدیره کانون انبوه‌سازان مسکن کشور، به «شرق» می‌گوید اعضای این صنف، برای خانه‌دارشدن اقسار کم‌درآمد مدلی را طراحی کرده و به دولت پیشنهاد می‌دهند. او توضیح می‌دهد: «دولت می‌تواند بدون نیاز به منابع بانکی و با سرمایه بخش خصوصی واحدهای ارزان‌قیمت ساخته و به مردم تحویل دهد؛ به‌این‌ترتیب که دولت زمین با نرخ ارزان در اختیار سازندگان قرار دهد و بخشی از سرمایه مورد نیاز برای ساخت مسکن را از متقاضیان دریافت کند و بخش دیگر را سازندگان تأمین کنند و درنهایت هنگام تحویل واحدهای مسکونی به متقاضیان، سازندگان در ازای سرمایه خود واحد مسکونی یا زمین دریافت‌کنند.»

او در ادامه پیشنهاد می‌دهد که «دولت برای تقویت بازار اجاره و بهبود وضعیت مستأجران می‌تواند زمین ارزان در اختیار سازندگان بخش خصوصی قرار دهد و این زمین‌ها را تا مدت معینی مانند پنج تا ۱۰ سال به نام سرمایه‌گذاران نکند و در ازای آن از سرمایه‌گذاران بخواهد که واحدهای ساخته‌شده در این زمین‌ها را در فاصله زمانی مشخص‌شده اجاره بدهند. به‌این‌ترتیب عرضه واحدهای استیجاری به بازار افزایش داشته و فشار اجاره‌بره بر دوش مستأجران کمتر می‌شود.»

مسکن اجتماعی بسازید

حسن محتشم، دیگر کارشناس بازار مسکن، تأکید می‌کند که وضعیت بازار مسکن جدا از دیگر بازارها و اقتصاد کلان کشور نیست و تا زمانی که تورم بالا مهار نشود، قدرت خرید مردم در بازار مسکن تقویت نخواهد شد.

او ادامه می‌دهد که با این‌حال دولت می‌تواند مدل‌های موفق بازار مسکن را بازنگری کرده و با رفع ضعف‌های آن و تقویت نکات مثبت، در دستور کار قرار دهد. به‌عنوان مثال یکی از این مدل‌ها مدل مسکن استیجاری است که دولت می‌تواند آن را برای تقویت بنیه مالی مستأجران اجرا کند، چنان‌که این طرح در زمان دولت اکبر هاشمی‌رفسنجانی هم اجرا شد و ۱۰

هزار واحد به متقاضیان تحویل داده شد و در حقیقت مدل اجاره به‌شرط تملیک بود.

این کارشناس همچنین توضیح می‌دهد: «دولت چهاردهم می‌تواند مانند برخی کشورهای توسعه‌یافته از جمله فرانسه و انگلیس مسکن اجتماعی را برای سکونت اقشار کم‌درآمد در نظر بگیرد. به‌این‌ترتیب که واحدهای مسکونی برای اجاره ارزان به فقرا ساخته شود و میزان اجاره‌بها، معادل هزینه نگهداری و تعمیرات ساختمان باشد و البته پیشنهاد می‌کنم دولت این کار را مانند کشورهای توسعه‌یافته به شهرداری‌ها واگذار کند و از ظرفیت زمین‌های شهری یا حاشیه شهر برای ساخت این واحدها استفاده شود.»

اجرای مدل ساخت‌وساز ترکیبی

پیش‌ازاین پژمان جوزی، رئیس انجمن صنعت ساختمان، از ورود میحث ساخت‌وساز ترکیبی به برنامه هفتم توسعه خبر داده و به «شرق» توضیح داده بود که ساخت‌وساز ترکیبی درواقع ساخت‌وساز یک مجموعه اداری، تجاری، رفاهی، توریستی و مسکونی است که می‌تواند با درآمدزایی پایدار و تأمین سود سازنده، به ساخت‌وساز مناسب در کشور سرعت بدهد و با افزایش عرضه موجب تعدیل قیمت‌ها در بازار مسکن شود (اگرچه قیمت مسکن همواره تابعی از عوامل دیگر اقتصادی مانند قیمت زمین و مصالح هم هست). به‌گفته رئیس انجمن صنعت ساختمان پروژه‌های ساخت‌وساز ترکیبی با درآمدزایی پایداری که دارند، می‌توانند سازندگان را از وام و تسهیلات بانکی بی‌نیاز کرده و فشار سنگینی را که تسهیلات مسکن به شبکه بانکی تحمیل کرده و موجب ناترازی منابع و مصارف بانک‌ها شده است، از دوش بانک‌ها بردارند. همچنین موجب تشویق بخش خصوصی برای سرمایه‌گذاری گسترده‌تر در حوزه ساخت‌وساز و افزایش عرضه مسکن شود.

ساخت مسکن اقتصادی

همچنین خشایار باقرپور، مدیرعامل اتحادیه تعاونی‌های عمرانی تهران، پیش‌ازاین در یک نشست خبری از آغاز ساخت مسکن ۲۵متری با عنوان مسکن اقتصادی خبر داده و گفته بود که دولت باید موانع را از پیش پای تعاونی‌ها برداشته و مانع اجرای ایده‌های خلاقانه بخش خصوصی در بازار مسکن نشود. او در ادامه از مدلی برای ساخت مسکن اقتصادی از طرف بخش تعاون خبر داده و گفته بود که مجتمع‌های مسکونی با مترتازهای متفاوت ساخته می‌شود که از خانه‌های مترتازهای کوچک برای دانشجویان، مجردها و زوج‌های جوان تا مترتازهای متوسط و بزرگ بین ۷۵ تا ۹۰ متر را شامل می‌شود.

باقرپور با بیان اینکه ارزان‌سازی را در کنار ارتقای کیفیت در دستور کار خود قرار داده‌ایم، گفت: ساخت پروژه‌های مسکن اقتصادی در قالب یک شهرک هوشمند اقتصادی طراحی شده است، به‌طوری‌که هزینه زمین در این پروژه‌ها صفر در نظر گرفته شده و با توجه به طراحی این شهرک که به‌صورت مجتمع اقامتی و تجاری است، از طریق الحاقات زمین هزینه برای متقاضیان صفر شده است و این طرح در بخش تعاون و با مشارکت مردم ساخته می‌شود و متقاضی تنها قیمت تمام‌شده ساخت را می‌پردازد.

عرضه امپاور BD300 و فورس ۱۲ تن در بورس کالا

شرکت بهمن‌دیزل انواع کامیون فورس ۱۲ تن کابین

خواب‌دار، کامیون امپاور BD300 باری و کمربرسی را در بورس کالا عرضه می‌کند. خریداران محصول خود را ۲۰ شهریور ۱۴۰۳ تحویل خواهند گرفت. قیمت پایه کامیون امپاور ۹۷ میلیون تومان، قیمت پایه کامیون امپاور

محصول	کد محصول	کد عرضه	قیمت پایه فروش کارخانه (به ریال)	علایات و ارزش افزوده و سایر هزینه‌ها (بر اساس قیمت پایه فروش)	نصود انصراف (سالانه)	جریمه دیرکرد (روزانه)	رنگ	وضعیت کاربری	مدل	سررسید قرارداد سلف
کامیون فورس ۱۲ تن کابین خواب‌دار F۲۱۰	FORCE ۱۲	۸۱۸۳۸۱	۲۰,۹۷۰,۰۰۰,۰۰۰	بر اساس موارد	%	%۰,۲۵	سفید	*	۱۴۰۳	۱۴۰۳/۰۶/۲۰
کامیون امپاور BD۳۰۰C (باری)	BD۳۰۰C	۸۱۸۳۶۸	۲۶,۸۵۰,۰۰۰,۰۰۰	مندرج در ستون توضیحات جدول						
کامیون امپاور BD۳۰۰D (کمربرسی)	BD۳۰۰D	۸۱۸۳۷۴	۲۶,۲۶۰,۰۰۰,۰۰۰	اطلاعیه عرضه						

شرق

یادداشت

از دوم خرداد ۷۶ تا ۱۵ تیر ۱۴۰۳



اگر ایشان ثبت‌نام نمی‌کرد، با توجه به حضور دو کاندیدای پوششی ، عملاً فضای دوقطبی در همان دور اول شکل می‌گرفت و به احتمال قریب‌به‌یقین دکتر پزشکیان در دور اول به ریاست‌جمهوری برگزیده می‌شد؛ چون اولاً سید رای دکتر قالیباف با دکتر جلیلی متفاوت بود و ثانیاً بسیاری از افراد که بنای رای‌دادن نداشتند، تصور می‌کردند که دکتر قالیباف به ریاست‌جمهوری برگزیده می‌شود و با جدی‌شدن احتمال پیروزی دکتر جلیلی، در دور دوم شرکت کردند و به‌همین‌علت انتخابات دور دوم که معمولاً با افت مشارکت بیش از ۱۰درصدی همراه است، با افزایش مشارکت ۲۰درصدی همراه شد.

به‌عبارت دیگر دکتر پزشکیان افزایش شش‌میلیونی رای خود در دور دوم را بیش از همه مدیون حضور دکتر جلیلی است.

اما پیام‌های اصلی انتخابات:

- در سه سال قبل، مرحوم حجت‌الاسلام رئیسی، با حدود ۱۸ میلیون رای، از ۲۹ میلیون رای به ریاست‌جمهوری برگزیده شد و با احتساب رای دو کاندیدای دیگر اصولگرا آقایان محسن رضایی و قاضی‌زاده‌هاشمی، رای جریان اصولگرا در سال ۱۴۰۰ حدود ۲۳ میلیون رای بود. اینکه این رای در دور دوم انتخابات، به ۱۲ میلیون یعنی حدود نصف کاهش پیدا می‌کند، بیش از هرچیزی نشان از ریزش بدنه اجتماعی حامی اصولگرایان از ۳۰ درصد به حدود ۲۰ درصد از مردم دارد و این چالش بسیار عمیقی برای اصولگرایان خواهد بود، چراکه این ریزش در دوران رخ داد که همه ارکان و ابزارهای حاکمیت اعم از قوه قضائیه، مجلس، شورای نگهبان، صداوسیما، نیروهای مسلح، نهادهای اقتصادی حاکمیت و… بیشترین حمایت و کمک را به دولت انجام دادند و شخصیت مرحوم رئیسی نیز با تواضع و پراکری و خستگی‌ناپذیری به نحوی بود که کمترین دافعه در نظام درباره دولت ایشان وجود داشت. در این شرایط ریزش ۵۰درصدی بدنه اجتماعی نشان می‌دهد که گفتمان اصولگرایی در بدترین و دافعه‌برانگیزترین وضعیت ممکن است و بدون حضور مرحوم رئیسی و با دعوای داخلی داخلی اخیر احتمال ریزش این بدنه اجتماعی به کمتر از ۱۰ میلیون در یکی دو سال آینده وجود دارد، بنابراین ضرورت نخست، تجدیدنظر در گفتمان اصولگرایی چه در حوزه سیاست خارجی و داخلی، چه مسائل فرهنگی، چه اقتصادی و چه اجتماعی است.

- در سال ۱۳۷۶، شبیه حمایت همه‌جانبه‌ای که از آقای جلیلی وجود داشت، در نهادهای حاکمیتی درباره رقیب حجت‌الاسلام سیدمحمد خاتمی دیده می‌شد، به‌نحوی که خطبه تاریخی آیت‌الله هاشمی‌رفسنجانی در صیانت از رای مردم، موجب بازگشت اعتماد عمومی به صندوق‌ها و مشارکت ۷۰درصدی مردم و پیروزی آقای خاتمی شد. اما نخستین شخصیتی که واژه حماسه دوم خرداد را به کار برد، رهبر انقلاب بود و ایشان با تأکید بر مردم‌سالاری دینی تلاشی در راستای ترمیم روح جمهوریت در کالبد نظام را آغاز کرد که در بسیاری از سخنرانی‌ها و پرسش و پاسخ‌های ایشان در دانشگاه‌ها آثارش موجود است، اما مسیر متفاوت برخی دستگاه‌های نظرتی در برخورد با جریان اصلاحات، دستگیری‌های گسترده، توقیف مطبوعات و برخوردهای دیگر موجب شد تا نه‌تنها این شکاف ترمیم نشود، بلکه یک دوقطبی ایجاد شود و آثارش در انتخابات مجلس ششم و شکست جریان اصولگرا و ریاست‌جمهوری دور دوم آقای خاتمی و افزایش رای ایشان دیده شد. انتظار می‌رود این مسیر را دوباره بینامیند و با ترمیم شکاف‌ها، از تشدید دوقطبی حاکمیت/دولت و ملت جلوگیری کنند. بررسی پیام‌های دیگر انتخابات چهاردهم را به فرصتی دیگر واگذار می‌کنیم.